

Comparative Study of Economic Diplomacy in China and Japan

Mehdi Fakhery *Corresponding* Associate Professor, Faculty of International Relations, Ministry of Foreign Affairs, Tehran, Iran. E-mail: m.fakhery@sir.ac.ir

Article Info

Article Type:

Research Article

Keywords:

Economic
Development,
Economic Diplomacy,
China,
Japan

ABSTRACT

Economic diplomacy is of great importance in the foreign policy of China and Japan. After World War II, Japan followed the development policies of the United States, while China followed an endogenous development model and then turned to "market socialism." In the current century, Japan, which was the second largest economy and exporter in the world, gave way to China, and China became an economic superpower. The purpose of the research is to answer the question of what role economic diplomacy plays in the foreign policy of China and Japan, and what factors have contributed to the different results of the two countries? The research hypothesis suggests that the role of economic diplomacy in the foreign policy of both countries is very prominent, but due to the stronger role of the government in the Chinese economy and development-oriented diplomacy, it has brought tangible and strategic achievements for that country, but Japan, which was formed with market-oriented economic diplomacy and based on the interests of keiretsu and zaibatsu, has lagged behind in this competition. In this research, a qualitative method was used and the policies, programs, and economic data of the two countries were examined and analyzed to prove the hypothesis.

Cite this Article: Mafakhery, F. (2025). Comparative Study of Economic Diplomacy in China and Japan. *International Relations Researches*, 14(4), 7-30. doi: 10.22034/irr.2024.423751.2458



© Author(s)

Publisher: Iranian Association of International Studies

DOI: 10.22034/irr.2024.423751.2458



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعه تطبیقی دیپلماسی اقتصادی چین و ژاپن

مهدی فاخری نویسنده مسئول، دانشیار دانشکده روابط بین الملل وزارت امور خارجه، تهران، ایران.

رایانامه: m.fakheri@sir.ac.ir

درباره مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی کلیدواژه‌ها: توسعه اقتصادی، دیپلماسی اقتصادی، چین، ژاپن تاریخچه مقاله تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۵	دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی چین و ژاپن از اهمیت زیادی برخوردار است. ژاپن پس از جنگ جهانی دوم به پیروی از سیاستهای توسعه‌ای لیبرال آمریکا پرداخت در حالی که چین به دنبال الگوی درون زای توسعه رفت و سپس به "سوسیالیسم بازار" رو آورد. در قرن حاضر ژاپن که دومین اقتصاد و بزرگترین صادرکننده جهان بود جای خود را به چین داد و چین تبدیل به ابرقدرت اقتصادی گردید. هدف تحقیق پاسخ به این سؤال است که دیپلماسی اقتصادی چه نقشی در سیاست خارجی چین و ژاپن ایفا می‌نماید و چه عواملی در کسب نتایج متفاوت دو کشور نقش داشته است؟ فرضیه پژوهش حاکی است که نقش دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی هر دو کشور بسیار برجسته است اما به دلیل نقش قویتر دولت در اقتصاد چین و دیپلماسی توسعه محور، دستاوردهای ملموس و استراتژیکی برای آن کشور به دنبال داشته اما ژاپن که با دیپلماسی اقتصادی بازار محور و بر مبنای منافع کیرتسوها و زایاتسو ها شکل گرفته در این همآوری عقب مانده است. در این پژوهش از روش کیفی استفاده و سیاستها، برنامه‌ها و داده‌های اقتصادی دو کشور برای اثبات فرضیه مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته‌اند.

استناد به این مقاله: فاخری، مهدی . (۱۴۰۳). مطالعه تطبیقی دیپلماسی اقتصادی چین و ژاپن. پژوهش‌های روابط بین الملل، ۱۴ (۴)، ۷-۳۰.
doi: 10.22034/irr.2024.423751.2458..۳۰

© نویسنده (گان)

ناشر: انجمن ایرانی روابط بین الملل





نقش سیاست خارجی در ارتقاء توسعه یک کشور از اهمیت زیادی برخوردار است اما به ندرت این موضوع مورد بحث قرار می‌گیرد که سیاست خارجی اصولاً چگونه باید اهداف توسعه‌ای را دنبال کند. پر کردن شکاف بین سیاست خارجی و برنامه‌های مؤثر بر توسعه اقتصادی-اجتماعی در داخل کشور یکی از دغدغه‌های مدیران سیاسی می‌باشد چون سیاست خارجی عمدتاً به روابط با بقیه بازیگران بین المللی مربوط می‌شود، در حالی که سیاستهای توسعه‌ای مجموعه‌ای از برنامه‌ها را در بر می‌گیرد که اکثراً در داخل کشورها در ابعاد اقتصاد، اجتماعی و سیاسی اتخاذ می‌گردند. چین و ژاپن دو کشور شرق آسیا هستند که بعد از جنگ جهانی دوم روند توسعه اقتصادی خود را با جدیت دنبال نمودند. ژاپن به عنوان کشور مغلوب در جنگ مجبور به پیروی از منویات و سیاستهای آمریکا گردید و از الگوی غربی توسعه اقتصادی استفاده نمود در حالی که چین با نظام کمونیستی‌اش به دنبال الگوی بومی و درون زای توسعه بود، اما از دهه ۸۰ تغییر مسیر داد و با در پیش گرفتن روند اصلاحات به "سوسیالیسم بازار" رو آورد و ضمن حفظ آرمانهای سوسیالیستی اقتصاد آزاد را به تدریج جایگزین اقتصاد دولتی نمود. در قرن بیست و یکم هر دو کشور دیپلماسی اقتصادی فعالی در پیش گرفتند اما نتایج حاصله یکسان نبود. ژاپن که زمانی دومین اقتصاد دنیا و بزرگترین صادرکننده جهان بود جای خود را در هر دو مورد به چین داد و در حال تبدیل شدن به یک قدرت متوسط است، در حالی که چین تبدیل به ابرقدرتی شده که نظرات و تصمیماتش بر اقتصاد جهان تأثیر می‌گذارد. هدف از انجام این تحقیق پاسخ به این سؤال است که دیپلماسی اقتصادی چه نقشی در سیاست خارجی چین و ژاپن ایفا می‌نماید و چه عواملی در کسب نتایج متفاوت در دیپلماسی اقتصادی دو کشور نقش داشته است؟ فرضیه پژوهش دلالت بر این امر دارد که نقش دیپلماسی اقتصادی در سیاست خارجی هر دو کشور چین و ژاپن بسیار برجسته است اما به دلیل نقش قویتر دولت در اقتصاد چین و دیپلماسی توسعه محور، دستاوردهای ملموس و استراتژیکی برای آن کشور به دنبال داشته و ژاپن را که با دیپلماسی اقتصادی بازار محور و بر مبنای منافع کیرتسوها و زایباتسو‌ها شکل گرفته پشت سر نهاد. در این پژوهش از روش کیفی استفاده و سیاستها، برنامه‌ها و داده‌های اقتصادی دو کشور با رویکرد مقایسه تطبیقی مورد بررسی قرار گرفته‌اند، چون در روش کیفی شرایط طبیعی منبع مستقیم داده‌هاست و علل، فرایند و پیامدها ارکان اصلی پژوهش هستند.



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



برشمرده است. آنیا لاهتینن در کتاب "دیپلماسی و فعالیت‌های اقتصادی چین در آفریقا" ضمن اشاره به نیازهای گسترده کشورهای آفریقایی در زمینه توسعه و چالش‌های پیش روی آنان به ویژه در زمینه منابع مالی و تکنولوژیک نشان می‌دهد چگونه چین توانست با قدرت نرم، پیشنهاد‌های اقتصادی جذاب و استفاده از نبود حضور جدی آمریکا و اروپا بازار خود را به روی محصولات آفریقایی گشوده و در پروژه‌های زیربنایی مورد نیاز آفریقائیان مشارکت روزافزون نماید و دیپلماسی اقتصادی مدرن خود را بر مبنای افزایش حضور تجاری در کشورهای در حال توسعه پایه ریزی نماید. (لاهتینن، ۱۳۹۹)

بهاره سازمند و احمد رضانی در مقاله "جایگاه چین و ژاپن در سیاست اقتصادی آسه آن" به اولویت چین و ژاپن در حوزه‌های مختلف تجارت و سرمایه‌گذاری کشورهای آسه آن و تمایل کشورهای مزبور در ایجاد تعادل بین ژاپن به واسطه فناوری و چین به واسطه بازار مصرف و حجم اقتصادی است، لذا جنوب شرق آسیا به عنوان یک کل واحد به سمت هیچ‌کدام از دو کشور تمایل کامل ندارد و آسه آن به عنوان یک نهاد سعی کرده است با تنوع‌دهی به شرکای تجاری خود از وابستگی یک‌جانبه و بیش از حد جلوگیری کند، (سازمند و رضانی، ۱۳۹۸)

۲. مبانی مفهومی

دیپلماسی به معنای استفاده از آراء، افکار، ابزار و برنامه‌هایی است که در جهت نیل به منافع ملی توسط وزارت امور خارجه و سایر نهادهای دولتی و خصوصی یک کشور به کار گرفته می‌شود. دیپلماسی اقتصادی یکی از شاخه‌های دیپلماسی است و هدف آن دسترسی به اهداف و منافع توسعه‌ای کشورها در چارچوب سیاست‌های اقتصاد کلان می‌باشد. دیپلماسی تجاری زیر شاخه دیپلماسی اقتصادی است و هدف آن افزایش سهم کشور از تجارت جهانی، شرکت در روند تصمیم‌گیری‌های جهانی و منطقه‌ای در زمینه سیاست‌های تجاری، ارتقاء صادرات، مدیریت واردات، اتصال به شبکه‌های تولید و توزیع جهانی به حساب می‌آید. دیپلماسی بازرگانی به معنای دفاع از منافع و اهداف شرکتها و مؤسسات بازرگانی است که در صحنه جهانی فعالیت داشته و مشغول رقابت در بازارهای گوناگون هستند.

شاید بتوان نظریه‌های توسعه اقتصادی دوران جنگ سرد را به دو گروه کلی "راهبرد توسعه‌ای لیبرال" و "راهبرد توسعه‌ای سوسیالیستی" طبقه‌بندی کرد. مبنای این تقسیم‌بندی ایده ثولوزیک بوده و منعکس‌کننده جنگ سرد می‌باشد و هر کدام متناسب با برداشت خود از پدیده مالکیت راه‌های مختلفی برای توسعه یافتن ارائه می‌کنند. اولی مالکیت خصوصی را سبب حرکت جامعه به جلو دانسته و بر این باور است که مالکیت خصوصی زمینه ساز دستیابی به سرمایه متراکم می‌شود که پیش نیاز رشد و



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



محور می‌کنند و هر موضع سیاسی را با توجه به منافع آن اتخاذ می‌نمایند یا با توجه به هزینه‌های مربوطه از آن پرهیز می‌کنند در این کشورها بخش قابل توجهی از کادر دیپلماتیک کشور از فارغ التحصیلان رشته اقتصاد هستند و گسترش یا کاهش روابط با بقیه کشورها بر اساس توانمندی آنها در پاسخ به نیازهای اقتصادی یا جذب صادرات کشور صورت می‌گیرد.

۲-۲. استراتژی‌های توسعه

استراتژی‌های توسعه به مرور زمان و با تحول نظام بین الملل متحول می‌گردند و متناسب با میزان کارائیشان باعث اوج گیری یا افول دولت‌ها می‌شوند. زمانی که جامعه جهانی به قطب‌های قدرت تقسیم شده بود راهبرد توسعه بر مبنای تولید هر چه بیشتر در داخل و کم کردن واردات بود. اما در قرن بیست و یکم که وابستگی متقابل عنصر ناگزیر و ناگزیر جامعه جهانی شده است، تعریف وابستگی نیز تغییر کرده و موضوع هزینه-منفعت محور محاسبات وابستگی شده است. استراتژی‌های اولیه توسعه بر مبنای تأمین غذا، پوشاک، مسکن و حمل و نقل عمومی تعریف می‌شدند، اما به تدریج اشتغال، کاهش فقر، بهداشت و آموزش جای آنها را گرفتند و مسائلی مانند کنترل تورم، مبارزه با کسری بودجه، موازنه بازرگانی و نرخ بهره مساعد واجد اهمیت گردیدند. اجماع واشنگتن در دهه نود به دنبال تقویت بخش خصوصی برآمد و معتقد بود از طریق آزادسازی تجاری و مالی، اصلاح سیستم مالیاتی، خصوصی سازی و مقررات زدایی باید ایجاد اشتغال را کلاً به بخش خصوصی واگذار نمود. این نظریه در بسیاری از کشورها منجمله ایران مورد قبول قرار گرفت. در سال ۱۹۹۷ اما مشخص گردید که درآمد سرانه ۷۰ کشور در حال توسعه به دلیل تبعیت از این الگو نسبت به درآمد سرانه یک دهه پیش خودشان کاهش یافته است، در حالی که کشورهای دیگری مانند مالزی، سنگاپور، تایوان و کره که به جای این کار تلاش کردند سرمایه خارجی جذب کرده و در عین حال زمینه شکل گیری و رشد شرکتهای داخلی را فراهم آورند با افزایش چشمگیر درآمد سرانه مواجه شدند. لذا الگوی جدیدی از توسعه شکل گرفت که اساس آن جلب سرمایه خارجی، تسهیل سرمایه گذاری داخلی، ایجاد ارتباط بین شرکتهای کوچک و متوسط داخلی با سرمایه گذاران چند ملیتی خارجی، افزایش قابلیت رقابت شرکتهای ملی و افزایش حضور در بازارهای جهانی بود.



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۴-۲. کمک‌های توسعه‌ای

سازمان توسعه و همکاری‌های اقتصادی اولین نهاد فراملی بود که نسبت به تبیین مفهوم کمک‌های توسعه‌ای اقدام کرد. "کمک‌های رسمی توسعه‌ای" به کمک‌های حکومتی اطلاق می‌شود که هدف آن ارتقاء توسعه اقتصادی و رفاه کشورهای در حال توسعه است. وام‌ها و اعتبارات برای اهداف نظامی از این مقوله مستثنی هستند و کشورهای ناقض حقوق بشر یا با درجه فساد بالا بیرون از آن قرار می‌گیرند" (OECD, 2022). بر این اساس، جریان تأمین مالی دارای ماهیت اعطایی بوده و دست‌کم ۲۵ درصد از آن بلاعوض باشد. اعتبارات صادراتی و کمک‌های نظامی را نمی‌توان ذیل کمک‌های توسعه‌ای گنجانده علاوه بر آن، کمک‌های توسعه‌ای با نرخ بهره‌ای پایین‌تر از نرخ بازار اهدا می‌شوند و دوره بازپرداخت آن‌ها طولانی‌تر است. اعضای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی و بیست اهداکننده دیگر که عضو این سازمان نیستند، توافق کرده‌اند که گزارشی شفاف را از کمک‌های خود به کشورهای در حال توسعه ارائه کنند (Brautigam, 2010: 39).

به منظور رسمیت بخشیدن به این روند، سازمان ملل متحد در سال ۲۰۰۲ "کنفرانس تأمین مالی توسعه" را در شهر مونته ری مکزیک برگزار نمود. این اجلاس که با حضور بیش از ۵۰ نفر از سران دولتها تشکیل شد توافق نمود که کشورهای توسعه یافته ۰/۷ درصد از درآمد ناخالص داخلی خود را سالانه به صورت کمک رسمی توسعه‌ای به کشورهای در حال توسعه و بین ۰/۱۵ تا ۰/۲۰ درصد را به کشورهای کمتر توسعه یافته بپردازند. این توافق که در سالهای اول با موفقیت به اجرا درآمد پس از بحران مالی بین‌المللی ۲۰۰۸ با کاهش مواجهه و سپس شیوع کرونا آن را باوقفه جدی مواجه ساخت، به نحوی که پس از گذشت بیست سال پنج کشور دانمارک، لوگزامبورگ، نروژ، سوئد و انگلیس توانسته‌اند تعهد خود را اجرا کنند و بقیه کشورها فقط در اجرای بخشی از آن موفق بوده‌اند. (Developmentfinance, 2022)



پروپوزیشن گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



بیست کشور در حال توسعه صورت پذیرفته و ۱۰٪ باقی مانده در بین حدود ۱۰۰ کشور دیگر جهان تقسیم شده است (WIR, 2021: 137) بحران‌های جدی اقتصادی و مالی باعث کند شدن یا توقف ورود سرمایه خارجی شده است و در جریان بحران مالی بین‌المللی سال ۲۰۰۸، بحران کرونا ۲۰۲۰ و بحران محدود مالی که پس از ورشکستگی اخیر بانک سیلیکون ولی در حال شکل‌گیری است به وضوح تجربه گردید. رقابت کشورهای نیازمند به سرمایه خارجی باعث مسابقه در آزادسازی تحرک سرمایه در مناطق مختلف شده است. وعده دو برابر کردن کمک‌های توسعه‌ای، پایان یافتن بیماری کرونا و بخشودن بخشی از بدهی‌های این کشورها گامی در جهت کمک به کشورهای در حال توسعه است و دیپلماسی اقتصادی کشورهای در حال توسعه را در این زمینه فعال ساخته است.

۶-۲. جذب توریسم

گردشگری عبارت از مسافرت به منظور تفریح و تجارت و فراهم‌سازی خدمات مرتبط با آن است و گردشگر شخصی است که به مکانی خارج از محل اقامت معمولی خود به میزان کمتر از یک سال متوالی به منظور تفریح، تجارت و سایر اهداف، به غیر از کسب درآمد از محل مورد بازدید مسافرت و اقامت می‌نماید از نیمه دوم قرن بیستم صنعت گردشگری بین‌المللی رو به رشد گذاشت. قبلاً جاذبه‌های تاریخی، طبیعی و فرهنگی کشورها عامل جذب جهانگردان خارجی می‌شد ولی به تدریج انواع جدیدی از توریسم مانند: جهانگردی مذهبی، اکو توریسم، جهانگردی طبیعت، توریسم فرهنگی، سفرهای ورزشی، تفریحات و سرگرمی باعث تبدیل این فعالیت به یک صنعت کثیرالوجه و دارای ابعاد مختلف اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سیاسی گردید که از موثرترین راه‌های ورود ارز به کشور می‌باشد. جهانگردان سالانه نزدیک به چهار تریلیون دلار برای گردش، تفریح و سرگرمی خرج می‌کنند. در جریان بیماری کرونا صنعت توریسم جهان نزدیک به یک تریلیون دلار خسارت دید، ولی در سال ۲۰۲۲ بیش از ۹۰۰ میلیون توریست از جاذبه‌های جهانگردی دنیا بازدید کردند که دو برابر سال ۲۰۲۱ بود اما با این وجود به ۶۳٪ میزان قبل از کرونا رسید... (UNWTO, 2023)

در قرن بیست و یکم دو تحول عمده در توریسم دیپلماسی اقتصادی کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. تحول اول به دلیل پیشرفتهای تکنولوژیک ایجاد شد که با گسترش اینترنت، فروش برخط بلیط و رزرو برخط هتل باعث ارزان شدن توریسم و افزایش تعداد جهانگردان شد. تحول دوم مفهومی بود و ترکیب جهانگردان از افراد مسن به افراد جوان و از جویندگان مکانهای تاریخی-فرهنگی به جویندگان شهرهای بزرگ، دریا، آفتاب، غذای خوب، اسکی و فعالیت در طبیعت تغییر نمود. طبق



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



گرفت. شاید بتوان چهار مرحله در تحول دیپلماسی اقتصادی چین مشخص کرد: مرحله اول در دو دهه ۷۰ و ۸۰ قرن بیستم بود که تعامل با غرب از راه بازکردن اقتصاد آغاز شد و ارتباطاتی با نظام اقتصاد بین الملل برقرار گردید. مرحله دوم در دهه ۹۰ با پس گرفتن هنگ کنگ و ماکائو از انگلیس و پرتغال قدرت سیاسی اقتصادی کشور را افزایش بخشید و روابط با ژاپن و اتحادیه اروپا تحکیم شد تا اثرات تحریم غرب بعد از کشتار میدان تینانمن تحلیل رود. مرحله سوم در ابتدای قرن بیست و یکم با عضویت چین در سازمان جهان تجارت رخ داد که باعث شد چین بزرگترین صادرکننده و دومین اقتصاد جهان گردد و فعالیت خود را در نهادهای بین المللی اقتصادی تحکیم کند. چهارمین مرحله بعد از بحران مالی بین المللی اتفاق افتاد که چین با خرید سه تریلیون دلار اوراق قرضه آمریکا آن کشور را از ورشکستگی مالی رهانند (Li & Sun, 2014: 24) و عملاً وارد فاز رقابت برای رهبری اقتصاد جهان شد، دیپلماسی اقتصادی فعالی را با پروژه یک کمربند- یک راه آغاز نمود و مبانی و اصول جدیدی برای خود تدوین نمود. مقادیر قابل توجهی کمک به شکل وام، اعتبار و سرمایه گذاری در جنوب شرق آسیا، آسیای مرکزی، آفریقا و آمریکای لاتین ارائه کرد و حتی در دوران کرونا دیپلماسی اقتصادی فعال خود را دنبال نمود به نحوی که مباحثات زیادی در باره نفوذ و هژمونی چینی در غرب به راه افتاد انقلاب تجاری چین پس از ورود به سازمان جهانی تجارت و بحران مالی بین المللی ۲۰۰۸ رخ داد و اعتماد و نفوذ چین را در زمینه رهبری اقتصادی افزایش و دیپلماسی اقتصادی آن کشور را فعالتر و اثرگذارتر نمود. ابتکار یک کمربند یک راه رانشگر اصلی دیپلماسی اقتصادی چین می باشد و گفتمان منطقه ای چین را از امنیتی به اقتصادی تغییر داده و نظم منطقه ای باز و فراگیری را شکل بخشیده که مانع از ظهور یک اتحاد طرفدار آمریکا می گردد.

۳-۱. راهبرد دیپلماسی اقتصادی چین

در اوایل قرن بیستم چین در تلاش بود تا با ارائه مشوقهای اقتصادی به همسایگان خود به امتیازات سیاسی از سوی آنها دست یابد. کشورهایی مانند کره جنوبی، تایلند، اندونزی، ویتنام و قزاقستان به عنوان کشورهای هدف برگزیده شدند چون موضع بیطرف تری در امور بین الملل داشتند و قابلیت همکاری افزونتری از خود نشان می دادند. سپس جستجو برای تکیه گاه هایی در نظام بین الملل آغاز گردید که به دلیل ارزش سیاسی یا اقتصادیشان، وابستگی به آمریکا و امتیازات مثبت برای پروژه کمربند- راه انتخاب می شدند. روسیه به عنوان یک قدرت بزرگ نظامی، عرضه کننده انرژی و



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



۳-۴. جذب توریسم

در سال ۲۰۲۱ که دومین سال کرونا بود ۳۲ میلیون جهانگرد خارجی از چین بازدید کردند و درآمدی معادل ۱۱/۵ میلیارد دلار برای آن کشور ایجاد کردند، در حالی که در همان سال جهانگردان چینی ۱۰۵ میلیارد دلار در کشورهای دیگر هزینه نمودند. درآمد توریستی چین ۴/۶ درصد از تولید ناخالص داخلی آن کشور را تشکیل می‌دهد. نزدیک به دو سوم جهانگردان بازدیدکننده از چین از اتباع هنگ کنگ، ماکائو و تایوان هستند و بقیه از کشورهای شرق آسیا و آمریکا می‌باشند. (Statista, 2023)

۳-۵. بازیگران دیپلماسی اقتصادی چین

تعامل بین دولت و بازار عنصر جذابی در دیپلماسی اقتصادی چین به حساب می‌آید. میزان درگیری نهادهایی مانند کمیسیون ملی توسعه و اصلاحات، وزارت بازرگانی، وزارت تجارت خارجی و همکاری اقتصادی و وزارت حمل و نقل بیش از سایر نهادها در دیپلماسی اقتصادی جلب نظر می‌کند. این امر البته چندان مورد پسند وزارت امور خارجه و دستگاه سیاست خارجی نیست چون معتقدند ملاحظات سیاسی باید بیشتر در دیپلماسی اقتصادی مد نظر قرار گیرد. شرکت‌ها و مؤسسات دولتی نقش کلیدی در توسعه اقتصادی و دیپلماسی اقتصادی کشور داشته و منبع اصلی سرمایه‌گذاری، اشتغال و رفاه بوده‌اند. شرکت‌های دولتی و خصوصی در زمینه سیاست‌گذاری فعال هستند و نظرات خود را در باره راهبردهای سرمایه‌گذاری، یارانه‌های صادراتی، کمک خارجی و غیره به وزارتخانه‌ها و سازمانهای مسئول دیگر ارائه می‌کنند. تلفیق شرکت‌های دولتی و خصوصی ابزار قدرتمندی در اختیار دیپلماسی اقتصادی چین قرار داده است تا به نیاز مشتریان خود در کشورهای دیگر پاسخ داده و سهم خود را در اقتصاد جهان ارتقاء بخشد. نقش وزارتخانه‌های اقتصادی، بانک‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های مالی و نهادهای بخش خصوصی مانند اتاقهای بازرگانی، اتحادیه‌ها، اصناف و شرکتها در تدوین و اجرای دیپلماسی اقتصادی در قرن بیست و یکم مؤثر بوده است. اعطای وام، سرمایه‌گذاری، خرید مواد اولیه و محصولات معدنی توسط چین در کشورهای در حال توسعه تا کنون دیپلماسی اقتصادی موفقی در چین به اجرا گذاشته است، اما دغدغه‌ها و واکنشهایی نیز ایجاد کرده است. "تله بدهی" و کار بیشتر با دولتها بدون توجه به جامعه مدنی چالشهایی را برای چین ایجاد کرده و در برخی ممالک مانند ویتنام چین را در رقابت با آمریکا قرار می‌دهد. گذشته از روشهای انگیزشی و



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



در این زمینه برای پکن مهم است ثبات و قابلیت برنامه ریزی بلند مدت اقتصادی است و مقولاتی مانند حقوق بشر، آزادی یا حکمرانی مطلوب در کشور مورد نظر جزو اولویتها قرار نمی گیرند. چین در اهدای کمک‌ها به اصل احترام به حاکمیت دولت دریافت‌کننده پای‌بند و به جای کمک‌های توسعه‌ای از لفظ مشارکت راهبردی استفاده می‌کند... (Lum Et Al, 2009: 37). حجم کمک‌های توسعه‌ای چین به صورت بلاعوض در سال ۲۰۱۹ به ۵/۹ میلیارد دلار رسید که معادل ۰/۴۴ درصد درآمد ملی ناخالص آن کشور بود.

۷-۳. قراردادهای اقتصادی و تجاری چین

چین شریک تجاری اول ۱۲۰ کشور در جهان می‌باشد و به همین جهت شبکه گسترده‌ای از قراردادهای اقتصادی با دیگر کشورها دارد و موقعیت استراتژیکی برای خود ایجاد کرده است. از این قراردادها می‌توان به ۱۰۷ موافقت‌نامه سرمایه‌گذاری مشترک، ۱۱۰ موافقت‌نامه اجتناب از پرداخت مالیات مضاعف، ۲۳ قرارداد تجارت ترجیحی و آزاد، و ایجاد بیست منطقه تجارت آزاد در استانهای ساحلی خودش به منظور تشویق حضور شرکتهای خارجی در اقتصاد آن کشور اشاره کرد. قراردادهای تجارت آزاد چین عمدتاً با ده کشور عضو آسه‌آن، ژاپن، کره، استرالیا، نیوزلند، سوئیس، پاکستان و برخی کشورهای آمریکای لاتین است. در حال حاضر ده قرارداد جدید نیز با کشورهای عرب شورای همکاری خلیج فارس، اسرائیل و فلسطین در حال مذاکره می‌باشد. ضمناً دو موافقت‌نامه جامع مشارکت اقتصادی نیز با هنگ کنگ و ماکائو به دلیل خودمختاری اقتصادی آنها امضا کرده است. (Shira, 2021: ۵-۸) عضویت و فعالیت در سازمانهای اقتصادی بین‌المللی چین در سازمان ملل متحد، آژانس‌های تخصصی آن، مؤسسات برتون وودز، سازمان جهانی تجارت، اتاق بازرگانی بین‌المللی و سایر سازمانهای بین‌المللی حضور فعالی دارد. بیست درصد بودجه سازمانهای بین‌المللی توسط چین تأمین می‌شود و ریاست چهار آژانس تخصصی سازمان ملل در اختیار چینی‌هاست. طی سالهای اخیر پکن گام بلندی در زمینه دیپلماسی اقتصادی چندجانبه برداشت و با تشکیل "مشارکت اقتصادی فراگیر منطقه‌ای" که یک سازمان فرامنطقه‌ای با حضور اعضای دهگانه آسه‌آن، ژاپن، کره جنوبی، استرالیا و زلاندنو می‌باشد زمینه همگرایی گسترده تجاری را در بین پانزده کشور فراهم ساخت. این سازمان که از ابتدای ۲۰۲۳ فعال شده نقش مهمی در انحراف تجاری اعضا از شرکای بازرگانی قبلی و در خلق تجارت بین ۱۵ کشور عضو خواهد داشت. برای حمایت مالی از دو پروژه کمربند- راه و مشارکت



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



خانه‌های دیگری مانند امور خارجه؛ محیط زیست؛ زمین، زیر ساخت و حمل و نقل؛ کشاورزی، جنگل و ماهیگیری؛ بهداشت، کار و رفاه؛ دارایی؛ و شوراهایی مانند سیاست اقتصادی و مالیاتی؛ علوم، تکنولوژی و نوآوری هم متناسب با زمینه فعالیت بر آن تأثیر می‌گذارند. در این میان باید به نقش سازمان تجارت خارجی ژاپن (جترو)، آژانس همکاری‌های بین المللی ژاپن (جایکا) و اتاق بازرگانی و صنعت ژاپن نیز اشاره کرد که به عنوان بازوهای اجرایی تلاش در جذب سرمایه گذاری خارجی، افزایش صادرات و کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط برای حضور در بازارهای بین المللی را به عهده دارند.

۴-۵. امنیت غذایی

ژاپن چهارمین اقتصاد برتر جهان است و دارای منابع فنی، مالی و تکنولوژیک می‌باشد ولی علیرغم این موضوع فقط ۴۰٪ غذای مورد نیاز در داخل خاک آن کشور تولید می‌شود که این امر وابستگی غذایی و گرسنگی برای آن کشور ایجاد کرده و امنیت غذایی را کاهش داده است. گرسنگی و سوء تغذیه ژاپن معلول علل زیر است: ۱- دسترسی به غذا برای همه جمعیت راحت نیست. در نیویورک ۱۰۰۰ محل توزیع غذای رایگان وجود دارد، اما این تعداد در کل ژاپن از ۵۰ مکان تجاوز نمی‌کند. ۲- ائتلاف غذا در ژاپن بالا و دورریز مواد غذایی زیاد است. در سال ۲۰۰۰ برنامه داوطلبانه‌ای به نام "دومین محصول ژاپن" با هدف تأسیس شبکه ایمنی غذایی به وجود آمد. داوطلبان به رستورانها، کافی شاپ ها و مغازه‌ها می‌رفتند تا مواد غذایی زیادی یا تاریخ مصرف گذشته را جمع آوری کرده و توسط انبارهای مواد غذایی به مردم نیازمند برسانند. ۳- در تحقیقی در ۲۰۱۰ مشخص شد از بین افراد زیر ۲۹ سال ۷٪ "اغلب" یا "بعضی اوقات" غذای کافی برای خوردن نداشتند. لذا از سال ۲۰۱۸ شرکت‌های غذایی اجازه یافتند محصولات غذایی تاریخ مصرف گذشته ولی قابل خوردن را به قیمتهای پائین در اختیار اقشار محروم قرار دهند. در سال ۲۰۲۲ دولت ژاپن "چارچوب سیاستهای تقویت امنیت غذایی" را اعلام کرد که هدفش کاهش وابستگی آن کشور به واردات و افزایش تولید داخلی گندم، سویا، دانه‌های روغنی، یونجه و کود بود.

ژاپن یکی از بزرگترین صیدکنندگان و مصرف کنندگان آبزیان می‌باشد و لذا مصرف محصولاتی مانند تن، وال، ماهی و مارماهی در آن کشور بسیار رایج است. به منظور قانونمند کردن کمیت و کیفیت صید با نهادهای بین المللی مانند سازمانهای شیلات منطقه‌ای، اتحادیه بین المللی حفاظت از طبیعت و منابع طبیعی، و کنوانسیون تجارت بین المللی محصولات دریایی در معرض انقراض همکاری گسترده‌ای



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



اطلاعات موثق از بازار انرژی جهان را گردآوری و با عرضه کنندگان مربوطه در تماس باشند (MOFA, 2017).

۴-۷. سرمایه گذاری مستقیم خارجی

در سال ۲۰۱۳ "استراتژی احیای ژاپن" تدوین و طبق آن مقرر گردید سرمایه گذاری شرکتهای خارجی مقیم ژاپن تا سال ۲۰۲۰ دو برابر شده و به ۳۰۰ میلیارد دلار برسد. شورای ارتقاء سرمایه گذاری خارجی با تنظیم "راهبرد رشد" کارشناسایی فرصتهای سرمایه گذاری و شرکتهای چند ملیتی، جمع آوری نظرات مدیران خارجی، اصلاحات قانونی و نهادی با هدف تسهیل محیط سرمایه گذاری را عهده دار شد. در سال ۲۰۱۶ شورا تصمیم گرفت مدیران شرکتهای خارجی و مشاوران مربوطه با وزیر ژاپنی حداقل سالی یک ملاقات داشته باشند. بسته تبلیغاتی برای این منظور طراحی و ۱۲۶ سفارت ژاپن در خارج موظف به تأسیس نقطه تماس سرمایه گذاری و همکاری با سازمان تجارت خارجی (جetro) شدند. ابتکارات دیگری مانند پخش کردن سرمایه گذاریهای خارجی در نقاط مختلف ژاپن، ارائه خدمات اینترنتی ۵ جی به شرکتهای چند ملیتی، ایجاد شهرهای دیجیتال، سمنارهای سرمایه گذاری در ژاپن، جمع آوری اطلاعات در مورد بازارها و نهادهای سرمایه گذاری سایر کشورها و بهبود مقررات سرمایه گذاری خارجی همواره در جریان بوده است. در سال ۲۰۲۲ "سیاست اصلی در باره مدیریت اقتصاد و مالیاتی و اصلاحات" تدوین شد تا شرکتهای خارجی بیشتری تشویق شوند در مشارکت با شرکتهای کوچک و متوسط ژاپنی دست به فعالیت بزنند. نتیجه سیاستهای ذکر شده جذب نزدیک به ۲۵۷ میلیارد دلار سرمایه تا سال ۲۰۲۱ و تبدیل شدن به چهارمین مقصد جذاب سرمایه گذاریهای خارجی بود. ژاپن همچنین خود در بازارهای جذاب و باثبات خارجی سرمایه گذاری می نماید و مؤسسات آن کشور در برهه مشابه به مقدار ۱۱۵ میلیارد دلار در خارج سرمایه گذاری نمودند (WIR, 2022). آمریکا، سنگاپور، چین و اتحادیه اروپا بزرگترین سرمایه گذاران خارجی در ژاپن بوده اند در حالی که آمریکا، چین، انگلیس، هلند و تایلند مهم ترین مقاصد سرمایه های ژاپنی را تشکیل داده اند

۴-۸. کمک های رسمی توسعه ای

کمک های توسعه ای ژاپن به کشورهای در حال توسعه از سال ۱۹۵۴ پس از پیوستن به طرح کلمبو آغاز شد اما پس از اجلاس مونته ری مکزیک در مورد تأمین مالی توسعه با جدیت بیشتری دنبال گردید. در



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



تحولات داخلی و بین المللی در قرن بیست و یکم و حادثر شدن موضوعات امنیتی باعث افزایش و تعمیق فعالیت ژاپن در مؤسسات و سازمانهای بین المللی شده است. در حال حاضر ۸۰۰ نفر از شهروندان ژاپن در سطوح مختلف در مؤسسات وابسته به سازمان ملل در مناطق مختلف جهان بکار اشتغال دارند و دولت آن کشور در صدد است این رقم را به ۱۰۰۰ برساند.

نتیجه گیری

دیپلماسی اقتصادی هر چند واژه جدیدی نیست و کشورهای گوناگون برای تعیین و نیل به اهداف اقتصادی خود از آن بهره می‌جستند اما از آنجا که میزان دستیابی به اهداف توسعه‌ای بین کشورها به دلیل سطح توسعه متفاوت آنها یکسان نبود این مقوله به صورت جدی و جدیدی در قرن حاضر مورد استفاده قرار گرفته و هر کشوری متناسب با نیازها و توانمندیهای خود دست به تدوین و اجرای دیپلماسی اقتصادی زد. در این بین ژاپن و چین دو قدرت اقتصادی شرق آسیا با راهبردها، الگوها و رویه‌های متفاوتی با این مقوله برخورد کردند و نتایج ناهمگونی کسب کردند. ژاپن که در پایان جنگ دوم جهانی به اشغال متفقین درآمد ناچار از پیروی از الگوی اقتصادی لیبرال گردید، سیاست‌های خود را بر آن مبنا استوار کرد، از سرمایه و تکنولوژی آمریکایی استفاده کرد و به بازار آن کشور دسترسی داشت و توانست به برکت معجزه ژاپنی تبدیل به یک کشور پیشرفته صنعتی شود. در مقابل چین که در ابتدا با در پیش گرفتن مدل سوسیالیستی توسعه با چالش جدی در زمینه پیشرفت اقتصادی- اجتماعی مواجه شد روند اصلاحات خود را شروع و به سوسیالیسم بازار رو آورد، بخش خصوصی را تقویت و اقتصاد کشور را گشود. تسهیلات زیادی در اختیار شرکتهای خارجی و چند ملیتی قرار داد تا با استقرار در چین زمینه انتقال تکنولوژی و صادرات را فراهم آورند. هدف این مقاله مطالعه تطبیقی دیپلماسی اقتصادی چین و ژاپن برای پاسخگویی به این سؤال بود که آیا استفاده از سیاستهای مشابه بازار در دو سیستم اقتصادی لیبرال و کمونیستی نتایج یکسانی به بار می‌آورد؟ پاسخ به پرسش مذکور در ارتباط با راهبردهای توسعه‌ای برونزا و درونزا قرار می‌گیرد و این امر بر دیپلماسی اقتصادی دو کشور تأثیر می‌گذارد. هرچند در زمینه امنیت انرژی، جذب سرمایه خارجی، جلب جهانگردان خارجی، عضویت و مشارکت در سازمانهای بین المللی تشابه رفتاری قابل توجهی بین هر دو بازیگر بزرگ منطقه‌ای به چشم می‌خورد، اما دیگر ابعاد دیپلماسی اقتصادی مانند راهبرد و اهداف دیپلماسی اقتصادی، کمک‌های توسعه‌ای، مناطق و حوزه‌های سرمایه‌گذاری دو کشور در خارج، دسترسی به



پروپوزیشن گاہ علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



Brautigam, D. (2010). *The Dragon's Gift: The Real Story of China in Africa*. London: Oxford University Press. Available at:

<https://www.scrip.org/%28S%28i43dyn45teexjx455qlt3d2q%29%29/reference/referencesp apers.aspx?referenceid=2790692>

Else, Kim (2020): 6 Facts about Hunger in Japan, available at: [https://borgenproject.org/6-facts-about-hunger-in-](https://borgenproject.org/6-facts-about-hunger-in-japan/#:~:text=Foreign%20direct%20investment%20into%20China,late%202020%20and%20early%202022)

[Japan/#:~:text=Foreign%20direct%20investment%20into%20China,late%202020%20and%20early%202022](https://borgenproject.org/6-facts-about-hunger-in-japan/#:~:text=Foreign%20direct%20investment%20into%20China,late%202020%20and%20early%202022)

Global Chinese Development Finance Dataset (2021), available at: <https://www.aiddata.org/data/aiddatas-global-chinese-development-finance-dataset-version-2-0>

<https://www.mofa.go.jp/policy/other/bluebook/2017/html/index.html>

<https://www.statista.com/statistics/1256928/japan-inward-fdi-flows-by-source/#:~:text=bloc%20to%20date.->

[China%2DASEAN%20FTA,and%20the%20ASEAN%20member%20states](https://www.statista.com/statistics/1256928/japan-inward-fdi-flows-by-source/#:~:text=bloc%20to%20date.-)

TanviRIISE (2022): Japan's quest for energy security in the 'new' world of geopolitics, in *The Indo-Pacific: what strategy vis-à-vis China?* Available at: <https://www.sciencespo.fr/ceri/observatory-indo-pacific/wp-content/uploads/2022/07/IP-Essay-Tanvi-RIISE-Japans-energy-security.pdf>

The majority of international visitors arrive from East Asian countries. <https://www.statista.com/statistics/654263/japan-number-foreign-visitors/#:~:text=In%202022%2C%20the%20number%20of,arrive%20from%20East%20Asian%20countries>

Trade and Development Report (2022), Geneva, UNCTAD <https://unctad.org/tdr2022>
UNWTO Tourism Highlights, 2014, <https://www.e-unwto.org/doi/pdf/10.18111/9789284416226>

UNWTO, (2023): UNWTO World Tourism Barometer and Statistical Annex, January 2023, <https://www.e-unwto.org/doi/abs/10.18111/wtobarometereng.2023.21.1.1>

World Investment Report (2005), Geneva, UNCTAD
World Investment Report 2021, <https://unctad.org/publication/world-investment-report-2021>

World Investment Report (2022), Geneva, UNCTAD
Wu Baiyi (2008), *Pensamiento social chino sobre América Latina*, available at: <https://www.jstor.org/stable/j.ctvnp0jw3>

Yueh, Linda (2023): *Economic Diplomacy in the 21st Century: Principles and Challenges*, London, LSE Available at: <https://www.lse.ac.uk/ideas/publications/updates/economic-diplomacy-in-the-21st-century-principles-and-challenges>

Zha, Daogiong (2016) *China's Economic Diplomacy: Focusing on the Asia-Pacific Region*, Beijing, Peking University Publications